

بینش معنوی — ۵۸

نگارش

مهدی کمپانی زارع

مولانا و مدرسه عشق

کتابخانه

نشر نگاه معاصر

فهرست

- پیشگفتار ۷
- فصل اول: سیری در سفر عشق ۱۳**
- دشواری‌های به‌کارگیری مفهوم عشق در فرهنگ اسلامی ۱۵
- همنشینی عشق عرفانی و فلسفه ۶۶
- فصل دوم: درنگ‌نجد عشق در گفت و شنید (دشواری‌های سخن گفتن از عشق) ۷۹**
- مقدمه ۸۱
۱. بی‌نهایتی عالم عشق ۸۵
۲. غیرت عشق ۹۱
۳. حیرت عقل در مواجهه با حقیقت عشق ۹۵
۴. دگرگونی احوال عاشق ۹۷
۵. مخاطبان ناآشنا با عشق ۱۰۰
۶. نارسایی زبان ۱۰۷
۷. مصلحت نظام هستی ۱۱۳
۸. گوینده حقیقی معشوق است نه عاشق ۱۱۵
- مولانا و سخن عشق ۱۱۷
- فصل سوم: مفهوم‌شناسی عشق ۱۲۳**
- مقدمه ۱۲۵

عشق الهی.....	۱۲۶
۱. عشق خداوند به خود.....	۱۲۷
۲. عشق خداوند به مخلوقات خود.....	۱۳۵
عشق الهی و مسأله زبان.....	۱۵۴
عشق انسانی.....	۱۶۵
عشق به خود.....	۱۶۶
عشق انسان به دیگران (خدا و انسان دیگر).....	۲۰۲
۱. حیرت در مقابل معشوق.....	۲۰۳
۲. میل به یکی شدن با معشوق.....	۲۱۵
۳. جایگزین ناپذیر بودن معشوق.....	۲۲۴
۴. توجه به معشوق.....	۲۳۱
۵. ایجاد تحول ژرف در ابعاد مختلف وجود عاشق.....	۲۴۰
۶. ایجاد رنج عاطفی برای عاشق.....	۲۴۶
عشق کیهانی.....	۲۵۲
فصل چهارم: عشق معراجی است سوی بام سلطان جمال (رابطه عشق و زیبایی).....	۲۶۱
زیبایی و عشق خدا به ذات و مخلوقات.....	۲۶۳
زیبایی و عشق انسانی.....	۲۶۹
فصل پنجم: عشق حقیقی و عشق مجازی.....	۳۴۳
فصل ششم: عاشق.....	۳۸۱
قیامت عشق در وجود عاشق.....	۳۸۳
عشق و نفس اماره.....	۳۹۳
درمان شدن رذایل عاشق.....	۴۰۵
عشق و تعالی متعلقات صفات پست آدمی.....	۴۱۶
عاشقی و فضایل نفسانی.....	۴۲۷
۱. ثبات قدم.....	۴۳۱
۲. عاشق برتر از سود و زیان و مزدخواهی.....	۴۳۵
۳. شجاعت در مواجهه با مرگ.....	۴۴۰

۴. تواضع و خود ندیدن.....	۴۵۱
۵. راضی بودن به قضای عشق و تسلیم در مقابل اوامر آن.....	۴۵۷
۶. عاشق اهل صلح است و مدارا.....	۴۶۹
۷. عاشق اهل جود و کرم و سخاوت است.....	۴۹۵
۸. عاشق دائم الذکر و دور از غفلت است.....	۵۰۸
احوال و اطوار عاشق.....	۵۲۰
۱. جنون و دیوانگی.....	۵۲۵
۲. وفاداری.....	۵۳۷
۳. ابتلا و امتحان.....	۵۵۹
۴. بیرون شدن عاشق از امور متضاد.....	۵۸۱
فصل هفتم: معشوق.....	۵۸۷
تصاویر مختلف معشوق.....	۵۸۹
فراق و وصال معشوق ازلی.....	۶۱۳
فراق معشوق و احوال عاشق.....	۶۲۲
فصل هشتم: عقل و عشق.....	۶۳۳
معانی عقل در آثار مولانا.....	۶۳۶
ویژگی های عقل جزوی و کلی.....	۶۳۴
نسبت عقل و عشق.....	۶۵۷
مؤخره: آنچه عشق می تواند.....	۶۶۵
عشق، بقا و جاودانگی.....	۶۷۳
عشق و دینداری.....	۶۷۶
عشق و تحول در جهان‌نگری.....	۶۷۹
■ کتابنامه.....	۶۸۷
■ نمایه اعلام.....	۶۹۵

.....	۱۲۷
.....	۱۲۸
.....	۱۲۹
.....	۱۳۰
.....	۱۳۱
.....	۱۳۲
.....	۱۳۳
.....	۱۳۴
.....	۱۳۵
.....	۱۳۶
.....	۱۳۷
.....	۱۳۸
.....	۱۳۹
.....	۱۴۰
.....	۱۴۱
.....	۱۴۲
.....	۱۴۳
.....	۱۴۴
.....	۱۴۵
.....	۱۴۶
.....	۱۴۷
.....	۱۴۸
.....	۱۴۹
.....	۱۵۰
.....	۱۵۱
.....	۱۵۲
.....	۱۵۳
.....	۱۵۴
.....	۱۵۵
.....	۱۵۶
.....	۱۵۷
.....	۱۵۸
.....	۱۵۹
.....	۱۶۰
.....	۱۶۱
.....	۱۶۲
.....	۱۶۳
.....	۱۶۴
.....	۱۶۵
.....	۱۶۶
.....	۱۶۷
.....	۱۶۸
.....	۱۶۹
.....	۱۷۰
.....	۱۷۱
.....	۱۷۲
.....	۱۷۳
.....	۱۷۴
.....	۱۷۵
.....	۱۷۶
.....	۱۷۷
.....	۱۷۸
.....	۱۷۹
.....	۱۸۰
.....	۱۸۱
.....	۱۸۲
.....	۱۸۳
.....	۱۸۴
.....	۱۸۵
.....	۱۸۶
.....	۱۸۷
.....	۱۸۸
.....	۱۸۹
.....	۱۹۰
.....	۱۹۱
.....	۱۹۲
.....	۱۹۳
.....	۱۹۴
.....	۱۹۵
.....	۱۹۶
.....	۱۹۷
.....	۱۹۸
.....	۱۹۹
.....	۲۰۰

پیشگفتار

یکی بدون تردید «عشق» فراگیرترین و مهمترین مسأله‌ای است که روان و زبان مولانا جلال‌الدین محمد بلخی بدان مشغول بوده است. او خود در تجربه‌ای نزدیک و شگفت به دیدار عالم عشق راه یافت و بر مرکب آن سوار شد و همه عوالم زیرین و زبرین را درنوردید و از هر بوستانی، خرمنی و از هر گلی، شاخه‌ای برای دوستان دور از بوستان به ارمغان آورد. بیان ژرف و گرم او هرچند از تأثیر گذشتگان بی‌بهره نبود، اما بیش و پیش از همه متأثر از ژرفا و گرمای عالمی بود که او در آن زیست می‌کرد. عمق و حرارت جهان او در زبانش تجلی یافت و کمندی شد بر گردن قرون و اعصاری که او سخن گفتن خود را برای آنان می‌دانست. دوستدارانش با یاری جستن از کلامش او را «سلطان عشق» نامیدند و سخنش را در عشق‌شناسی و معشوق‌پرستی فصل الخطاب دانستند. گویی سخن عشق در عالم با او آغاز شده بود که هر جا سخن از عشق و عاشق و معشوق بود، از مولانا و عاشقانه‌هایش سخن می‌رفت. اما واقع این بود که مولانا علاوه بر سفره تجارب خود، بر خوان پرنعیم پیشینیان نشسته بود و نهنگ‌وار دریانوشی می‌کرد و همه چیز را در هاضمه فاهمه خود به خویش پیوند می‌داد. او دستپخت گذشتگان را در عشق‌شناسی رنگ و بویی داد که خود صاحبان آن مائده‌های آسمانی نیز چنین علو و رفعتی را گمان نداشتند. اگر همه اعصار به مولانا و عاشقانه‌هایش مشتاق بودند، قرن ما به سخنان وی در باب عشق سخت محتاج است. در این روزگار که کلمه عشق در هر مصاحبت و مناسبتی به کار می‌رود